دوعلیه ۹ برج دار ۱۳۰۱

خَمَاحَتِ امْتَيَازُ وَمُدِّيرٌ مُسْتُولُ ؛ داور نماينده دارالشُّؤْراي ملي deget program de » المنتعة ذوم والدوم

فا صلحه جهارم

) 1) 1)

قبمت الله شهاره الم يك ماه الله الله الله

خارجه

ا بهلاوهٔ اجرت بست

١١١) جادي الثالي ١٤١١ (٢٩) زالوب ١٩٢٢

وجه اشتسسراك : الله المرابة

ا به ۱۰۰ قران ۱۰۰۰ فران است

این زوزاامه بدون تقاشای کتبی برای کسی ارسال امیشود

يال داشت يوديه

مقالات دیروز ما را جمعی کج تمبیر کرده اند

فكرما - مي كويند ـ دشيني با اشراف است و مقاله سياسي ما مخالفت با اقاى مستوفي الممالك . . .

ابن تمبیر بخطا است، مفصود ما این ها نیست

ما اقای مستو فی الممالك را یكی از رجال شرافت دوست ایران میدانیم سه فكر إطايشان از افد اض يست بالك است - ابقه ايشان بك بارچه مرحت عمل درستى است مادت بدروغ ندار ند وطن پرستيشان مسلم است بهمين دلايل ما باايشان موافقت داريم و میکویم حالا که باید از بین وزرای سبك قدیمولیس الوزراء انتخاب كر د آفای مستوفى المالك برسايرهم مسلكان مزيت دارند

ف تولی چه باید کرد که عقل و احساب و تجربه همه فی یاد می زنند در قدمای ما اهلیت

روز فیست؟ ما نهی کرلیم و زرا ی وساتمیل همه بدو خیانت پیشه اند ما نمیکولیم این اشخاص نوكرسيمكره حق تمتع و زندكاني در ايران ندارند حرف ما افقط

. برای اینکه ایران راه آهن وطرق شوسه پیدا بکند مماد تش شکار بیفته -الدیشم خوب وزیاد ،خارچه بغرسند- صادرات شم ایر آن بیست بیرابر نشود- تحشله بار ما هو تهلم بازارها می اروپا مشتر می داشته باشد - تجارت بوست بالا مکیرد - بجای كارتى وداليجان بتدف هوالى متداول شود سعوش جوخا دومملكت ماهمما لهوت ببافنه ـ شكر مازندرانی را كارخانه های قندسا زی ایر آن از میآن بیرند سه بمومهاین قلمه ويدخت مدرسه و طبيب داشته باشند – مردم ساو جيلاغ وتر يت حيدري هم بنوا نند ا بریطل آ دم زندگی کنند . است برلماین کارها بایداشخاص کازه بید اکرد است.

و المراع انجام ابن مقاصد نباید بازد نبال همان کسانی رفت که بارها آمده آند - و زدس الوزراء شدهاند مد تى حكمة رمالى كرده اندو هيجيك از اين كارها را صورت

حال انساف بدهید ـ میشو د کفت این حرف هاناشی از خسن عداوت بایك طبقه مدینی است وافراض نسبت والان فرد مشخص

د يروز نوشتيم آقاى مستوني باكريت پنجا ، وينج راى برياست وزرا نامزد شده مرحله اول بحران بسرعت طی شده مجلس نظر خود را ابراز کرد

امروز سه ربع قبل از ظار آقای موتمن الملك تمایل مجلس را بعرض

بنابر این مرحله دویم بعران از امرو زشروع میشود اءاید ضرت آقای وستوفی را مامور تشکیل گابینه خواه د قرمود ور تیس دولت با پدوزر ای خود را انتخاب Land to be a second of the sec

و هنه اشكال در اين انتخاب است

بمقیده جمعی از مجلس نباید وزیر کرفت اقایان نمایند ثان خو بست و کال را بر

الله النظر غده أي اين قيد علت ندارد و تا د رجه هم مشر است بايدازمجاس اليكي دو سهوزير بيرون كشيد ثبات كأبينه باين طريق بيشتر تامين ميشود

مر فداران شق أول اكثر از افراد خارج مجلس و شاید قسمت اعظم آنها وجود خود یادوستان خود را بر ای وزارت لا زمر می دانند .

طبیعی است که قلت شرگاء مثل همیشه در این مورد هم مطلوب است باید ند بیری بکاربرد از عده رقباگاست و از اول مطلب را طوری پیج داد که لا اقل وكلا در تكابوي وزارت نباشند

مخالفین ابن عفیده هم شاید بیشتر از وکلائیی هستند که خو دشان میل و زارت دارند یا مایلند از رفقای مجلس خود بعضی را و زیر ببینند 🔧 🏂 رئيس دو ات با اين دو نظر منضاد چه بايد بكند في قبول هر يك از اين دو طریق متضمن رخش جماعتی است و مخالفت یك عده

به بعلاوه در هر یك از این دو راه محظورات دیگری نیز هست ربه انتخاب وزیر از مجلس لا اقل یکنی دو سه نفر از موافقین حکومت خواهد ناست و اكثريت فعلى هنوز همچه جانى نكر قته است كه بتواندعد منى از خو لا كم كند و بوزارت دو سه نفر از رفقا رضا ندهد ﴿

درمقابل این را نیز بالد اعتراف کرد که وزیر ند ادن ، جلس مم باشکالاتی ر می خورد و ر نجش هامی ایجاد می کند که قطعاً باید از آن احتراز داشت ما با مطالعه تمام اطراف مسئله و ملاحظه پیچ و مهره هایی کار کمان می نکیم که از مجلس مع باید دو شه وزیر کرفت 🐪 🖫 🖫

عده افایان خارج - یعنی آن هائی که در خارج از مجلس داو طلب مستند بقدری زیاد است که جز با تشکیل یك دو سه دوجین کایندهمه آن ها را نسی شود راضی گرد 🖟 🧢 💮 💮 💮

يس اكر تمام وزرا هم أز أن ها انتخاب شود باز عدم بسيارى دل تنك خواهندماند ـ قهر خواهندكرد وبراى رفع گدورتشان بعكومت و ايالت و شورای دو لتی وامثال ال مئوسل باید باشد . م اید است

المحال كه ترتيبًا ابن است پس جدا من الهند وزير از مجلس الماينة

بْعضَى از رفقاى مجلسىما هم از مقاله ديروز ما ر نجيده اند ما با انكه در ضن تشریح دستجات مجلس هر دستهٔ ئی را شرکت کوچك و محدودی كمته ايم كه اساس ان تامين منافع شركاء است هيچيك از اقايان و كلا را مقصر و نمى دانيم: أوضاع اجتماعي ايران بد وخت ما شرخشمة ابن بد وختى ها است اقراد چه تقصیر دار ند *

وانكمى - أين همه دل نازك و زود رأنج نبايد نود .

ولى ابن الرئيب برخلاف ميل امريكا

قبل اذ جنك متعلق به المان بوطة بقرائسه

و یکی از جوات حمده کسناره کبری آف دولت از حل قضاً بای اروپا کردید . عات عدم وشایت آمریکا این بودک

أمى أوالست بكذارة دوات ديكر درمطه تُفت بَرَ اوْ تَفْرِقُ بِبِدا صَحَدد جَوْ هُم كَسَ ورُ داياتي أمرورُ سُأحِبُ اللهُ عَلَمَ الرقضافِي عالم حكومتُ خُواهد داشت ؟ ﴿

أخريرا حيجرأن اعلام كرد كه روسية أمنيار أفت موسل رأ جون حبيج دخالت در أعطاى أن نداشته برسميت لخواهد شاخت ﴿ البله ابن اظهار علماني رأ تصحير

رلی ملفتین بعثیانی من کویند درباب موسل و افت آن جای حقیت هیچ ایست حِونَ خَـود أَنَّهَا أَمَنْهَازَ نَفْتَ مُوسِلُ رَا دُو زونن ۱۹۱۴ داده اید

بالاوه قيموميت بين النهرين وا مجمع أتفاق ملل بالكاسنان تفويض كرده وكنفرانس لوزان در آن باب مداكره تمينواند مكلد

با وجود ابن اظهار متفقين طبيعي است ک عثبان بس**له** انت احمت بدمد و حق التدور براى اسرداد موسل سي ميهايدة منامی باید این نکته را لیز متوجه بود که جرث بای انت درمیان است گفتیهموسل بتدرى از نقطه المر منابن مهد است ك شاید اصرار عثمانی در آن باب اورا باشکالات بزرکی دوچار حسکند و قرانسه را نیز از

المالامات

النج طفل يك دفعه

در ایرلاند ۱۱- برا یك زنویایج طفل در یکیار زائده و تهام آن مامرة الد دو وحهاول سه بحه أولد شده وأورى بعد از آن دوطفل ديكر آمده الد أوات باج طفل دريك دقمه جلدان تمجيى براى ايرلائه تدارقد زيرا برحسب كفته دكتر يزابدن عدمأوله در أبرلاندتقريبادو براير الكاسان است -

مهم ترین تولدی که تابحال دیده شده یك زانی موسوم یه کلدی در مندوسان در ما والويه يك حيه زائيده و در ماه دسامبر بعد دُووَ دُر توامير سال بعدجهاردختر ديكر که همه زنده ماندند

و أو حدث اظهار دكتر كرشمن بك زاي یك مرابه هشت بجه در یك دفه زائیده

ر در سال ۱۷۸۴ یکزانی در شهر کو تنگیز برائینج بح زائيده بود ودرسال • • ٨ ا ازهمين الفاق در الدن درسال ۱۸٦٠ در بازیک به مان طریق دیده

غرب تر از مه پك زن دوسي بود كه در سال ۱۷۵۷ به کاتر بریملیکروسیاف معرفی شده

همین که حلک اروبا شروعشد معابق مقروات حنكي الكلسان سهد المان را تصرف كرد . در ۱۹۱۹ در موقعی که انگاسان و فرانسه واجع بايجاد أمارت حجاز و مقاطق بفوذ خود و بلديكن قرار داد هائي متعقد مَى قُمُودُلِدُ دُولَتَ قُرَائِمُهُ احْتَبَازًا لَى كَمْ سَابِقًا عنياليءا بانباع انكلسان داده بودند برسميت

قاعد ا در ۱۹۱۹ که مسئله افت دنیا را بخود مثنول ساطنه بود دولت قرائمه قرار دادی یا الکسان بست (کے در ۱۹۲۰ درسان رمو بأمضاء رسيد) بموجب أن قرار داد رام افت بين النورين بدق قد ق كه

سیاست خارجی صلح با مثمانی

شمله موصل و نفت آن 🐩 در کدافرانس لوزاف منهای مسله موسل را طراح گرد

اهميت موصل بواسطه الفت آنجا است: در ۲۸ ژوأن ۱۹۱۶ یك شرکت انگلیسی و آ ایمانی باسم شرکت افت علیانی أمتهاز للفت كانه آلولات موسل و يقدأد وا از دولت عتمالي كرفت. سه ربع سرمايه اين شركت از الكليس و ربع ديكر ازالسان بودة

عاليه مذاكره شود

وزير خارجه را خائن به مملكت اعلام أموده و بقرار دبل أولاه داشت دوقان ده دفعه را أمضا كرده بو داد سەقلى ھنت بار وزبر ماليه تبلا توقيف شده بود ﴿ حيهارقامي جهأوبار

در موسوع اعتباراتی که وزارت مارف ک مادام هبرش درایالت تکساس امریکا شش رائسه برای بودجه ۱۹۷۲ خواسقهٔ است قلي زائيده بود 🖟 🔻 🐪 🖟 در مجلس سنا سماست دولت راجع به ورزش - ترجه از ورلدزنبوز - أَنْ مورد احث واقع شد . 🛝 یک از سناتور دا پرسید آیا ۲۰۶مزار

نجباسی روسی درباریس آوازه 🕺 هواني مي كنند 🏅

در سال ۱۸۸۸ راپورتی رسیده بود

تناضا خواهد شد ? کتت میشل آو لسلوی پسر او پسلاه و الممادن فني وزارت ممارف بطورمثبت فيلسوف ممروف روسي و مادام (اسمرو حواب داده و علاوه نمود که در مدارس ورفيج) و شاهناده ابولنسكي دور هم جم ابتدائى معلمين مخصوص اراى ورزش معين شده هسته تشکیل داده می خواهند یا آوازه خوانی و موسیقی زندگی حکاند معبر فیکارو از آن هـا ملاقات گرده و می کوید کــنت أربات حسياني خواهند ووه تولستوى آجودان كراند وك مبثل باالو أم زد و مادام اسیی رو دو وییج که شوهرش وثيس كارد اميرا طوري و حاكم كريمه بود آواز من خواله خود سرتیب در کوشه با

دات کیام کوش می داد کنت تواستوی قدری با من محبت کرد. و گفت : و وضوت من و دوستالم بر همه محکشوف است . من در ۱۹۱۸ از روشیه خارج شدم و هان وقت مفلس یوهم - هفت الله اطفال من در فرانسه مدرسه ملوسطه معرواد سه من خمال كردم حالا که موسبق می دالد، و بود جبزم به شرد قارد از این عر تحدیل ماش نیاید و ه سرئب اسى رودوبج با نزدېك نده المراو كرد :

و ما مطيئن هستيم كه كار ها درست خواهد شد و چند سالی نخواهده گذشت که ووز های بهتری را خواهیم دید ه ور قدمت قاربك اطاق شخصى فرق دریای فک بود ، این شخص گراندوك الكما ثدر ميخا لويسج ، شوهر خواهر

أميراطور سابق كل عالك روسيه است :

مجلس ميمولان أجبن باسكتريت ٢٦٢ رای در منایل ۲۹ رای رئیس الوزراء و

الوسن لوين

تاليف موريس لبلان – تمرجمه نصرالله – فلسفي

مدتنك بلوو

المرقيف الم

﴿ كُرُوهُ كُلُفُتُ : مُسْهُو لَلْمُونَارُو تُوالِيَاقِتُ نُوكُرِي ﴿ وَوَ لِيرُكُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ

الله الله المار كرد : اربابه آسوده باشيد كه ديكس

ی هیچ خطری برای ما منسور ایست •

المنافعة المعاملة المعاده أو ابن است أ و كريا مردم

﴿ وَا كُرُ فُرضَ مَيْكُنِي وَ كُمَانَ دَارِي كَهُ صَدَّاى تَهِرُ رَا نَشْنَيْدُ ﴿

الد ؟ در هم حاله تعجيل كن وكه رأى جراغ را يكبر

اَزُونَا وَلاَ بِرُومِهُمْ فَرِرِكُ إِنَّ اللَّهِ الْمُؤْمِدُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ

ر الدارئ ٠٠ ، و و که رای المام شد ، زود ایش که

آلونت باجسراغ جبيبي خود سورت أو را روسن

و شانترده شلینك و دو پئس بالغ كردیده

داشت که بطور قطعی می توان پیش پینی ارد ولی جنان چه از را برت معاوم می شود اتمام توسعه كارخااجات تصفيه بواسطه اعتصاب وساير عالى أَفِيرُ مُتَمِرَةً بِهِ يُقْمُو بِنَى افْتَادُهُ وَ مَامُورُ أَمِي أَوَانَ مربق أحير را نبيت بميزان محصولى كار خانه تصنيه عيادان بدست مي آيد بطور أنخ ين مين امو دمقد أرحايقي ضررى هٔ مَلُوجُه تَنْده خرای کم و بَبِش از پاجامهار است که آن مد بوسیه بیمه ای اجبران می سکردد ولی دون خدارت من بور منوجه موسناتی شده که قبریب باتمام بوده الله تصور ميرود ميزان مسول مااز اين كصفيه موقةا كسرخواهدشد . قسسى از آلات خراب شده به وریت عوض شده و می شود أما أين حود باعث تعويق توسعه ابن كارخاله

أقارغ التحسبل إشند أ الله المالية الماون في أجواب داد ع أست زيرا ادوات جديدي لازم خواهد بود خير ، معامين مدارش ايلدائي مطومات ه از این جا فرسناده شده و جایسکیر ادوانی لازمه واجع به قربیت بدانی را در دارالمامین أبنجاى أدوات خراب شده استعمال كرديده قراً خواهند كرفت في ٧٥٤ منار قرالك است كذارد. تود . تلزل الحير در قيمت اى مُعَامِينَ وْبِمِنَا سَيْكُ قَارَ الطَّمِينَ هَا عصول عد ماافع ال جارى واموتر خواهد خواسة عدم است • الله المراجع المراجع بود، و از طرف دیگر بکار الداخان قسمت يس از اين توضيغ مجلس سنا اعتبار مای حدید حکار خاسهٔ اسفیه دو مذكور را تصريب لمود " **4** 3,63 **5** للد وارس - در المسكاسات ات

ملوا قالمر فاز دياوعصول نفت خام تموده اولیای امور ایران خوب است این فام کنتوالهای قدیم که راجع به بلزین

خبر وا چلدین ار بهخوانند · (مرد آزاد)

فرالك اعتباری که برای ورزش در خواست

شده مُقدمه أغنهاراتُ بيشتر تمر استُ كه بعدً

راہورت

سالیانه کمپانی نفت انکلیس و ایران لیمیتد سيردهمين عجمع ساليه سأحيان سهام كمياني نفت انگلیس و ایران ایستددر یازدهددسامیر ۱۹۲۷ بریابت سی جال پیزگرنیوی در اندن مأرند و صورت حماب كميساني قراأت شد

منافع سأليانه 🤾 سر چارلبق راجع به عملهات مختلفه کمپانی ا اور شود

الماتي آيراد گرد و اظهار داشت كه ماانع زیرا که کنان قرمته مهروف به قرمته اطریشی ا خالص کدیسانی در سال کذشته به سه ملهون و یك شدو سی مناد و سیسد و مناد لیره

•مليات تيه وكلفى و لازم است ترسيده ايم و التوانسه آیم کمیانی را قادر برقابت باکسایس بن امائیمو در موشوع عملیات. ال جاری اظهار تمام محسولات رابه بهترين و با انع ترين قیمتی بفروش رسالیم برای لیل باین متصود لازم است معادل هشمدو ينجسه هؤار أيره سهم خدید متمارق اشاعت یابد و وجوعی که ر فروش این سرام ماید میشود تصور آمیرود تکافوه پیرو کرام توسمه ای سسکه در اظر كارخانه هاى تصفيه مايع توضيحات خندى راجع بهتمرقوات ممايات

كميانى بمرض وساتمه بالمناب المنابع المنابع المابا أنعفواهند شد باكم خود آموز كاران مامزر در خصوص کار خانهای تصفیه چانهه رايورت معلوم معيود در العيادان والد 🔅 سنائور دیکنری ساوال کرد آیا این ارس یك از دیاد قدریمی حاصل شده و آموز کاران باید از مدرسه مخصوص ورزش ی درخالجات بواشد ا دیگر قدری بتمویق افقاده است جهید دارد توسمه ابن كارخالجات بواشقه اعتسابات وعال

ا اقدازه ای حبران تازل قیمت رابوسیله

الفت بوده است مناما ولي با وجود امعان

نقار در تباد این مدائل ، اسور نبی سے ام

ماانع سمام متمارني ما إمسال زياد ترازيش

بشود ه در سال بعد خون برو كرام فوسعه

عملیات ما نیزدیك بانجام میرسد وما میتوالیم

مقدار زیاد دری نفت برای فروش داشته

باشیم تصور میشود در صورتی که درقیمت

حاضره تنبیری حامل نشود ماانع ما زیاد

واراتورای کی خلاصه مذاکرات در جاسه یوم یکشنه

سهامر جديد

﴿ در موضوع يَرُوكُوام مَا لَى كَمَهُ الْيُ السَّور

میگ نم زائد باشد کنته شودڪ به ما حتوز

بالنوای سرمایه هلکمی که برای اقدامات وسایدة

از اوضاع مالی کمیالی که بگذرید بند

٨ دلو ١٣٠١ 🦷 مجلس دو راعت قبل ارظهر در قحت ویارت آقاى مؤلمن الناك تشكيل لايحه تقط مطرح آقامهد بمقوب اظهار داعتد كا دوماده واقدمانده بتراه ارجاع و عور در کمسیون يَمويق أفداده إست وكسيولهم تاحل موفق تشكيله و تعجديد اظر اشده است اكر

آقایان بهمان دو ماده پیش نهادی احتف میکناد که معرج شود و اگر میل دار اد . دو كسبون تجديد نظر شود آقا شيخ اسداقة ملاني قمهدالسلاد كه ٠٠ . المرخ كرميد المراج المادم و الله درلت و ساكلهم ايراف عن

همان دو ماده مغارح دود و ماده تین ۹ و خراهند وأشت كه متدار نفط تصفيه شده و بازيلي كه براى استه ال ومصرف داخله لازم است ا (ولى له براى صدور أز أبران) بقيمتى كه

حةيقتها تمام ميشود بعلاوه صدى ده ازصاحب امتباز حربداوی قدایند ' قیمت کرچابیك نفط خارج قسمت ميالغ ذيل خواهد بود بمدرجليك های استخراج شده قیمت حقیقی مز بورعبارت است (۱) قبهت نفط تصفیه لشده قدعیارت است از مزد هماه جات و معفارج سوحت و أماده كردن أن و مخارج تصفية و حمل و حاضر کردن ایرای فروش در ایران

المراق شماره ۲۰۰۲

(ب) مخارج اداری در آبران (ج) وحبه استملاك از قرار سدى هوازه، و ابعد سرمایه مصروفی برای خریداری دستگاه ها ر وسایلی که بحرت احصیل و نصفیه و حدل أنط حاصة و محدولات آن و حاضر ساختن برای فروش آماده شده است الوقتی که سرمایه مصروفي بصدى سد بالغ شود (د) رابع سر مايه مصروفه أز قرار ارخ سالياله سدى ٧ مادام كه سرمايه مربور مستهلك اشده است قيمره ١ - مقصود از خمله] استعماله مصرف مضوضى مقدار لفط لصفيه شده

است که اشخاس باشرگاء و کمیانی وشرکت اً و أسيسات ديكر دو الران مضرف مي مایند و بعاوز کلی مقصود این است که حاجت سكنه ايران از محسولات مهبوره در سورتیکه موجود شوه بر آورده کرمه مشروط براین برای متصرف معلی باشده برای سدور يا مروش در خارج از ايران يوسيله دولت يا

اشخاس ملقرقه أسيد كأراد المتخاص قيدر. ٢- كه جليك واحدكيل و ت اذ ۹۲ کالن آمریکائی است بحرارت

أَوَى شَبْحُ الاسلامُ الْمُقَالِي مقيده واشتذ كه فيت كران قنام من جود وخوب استشرط سكند قاسرمايه معروى استهلاك است تفترا بنوست وك سال قبل از جنك دربادكوبه بايراني ما يغروشند وبراى مدارف شرورى دوات ممك مقدار علظور دارقد

آنای زارالی حدی الف بوده واظهارداشلد كاكردرابن ماده منصوداين استكم مخارج را امين وروى جليك والكشاد بادبوافي فيستازيرا معاوم ليستكه اين مخارج ساله تهاست بإماهياله ومخارج داری معین نشده است کاتمام معنا رج اداری مدنىكه تفظ استمغراجمي شودروي قبمت ميرود يا فقط مخارج هان سال آقاي مسنير

واشتند که در سالی که افعل استخراج می شود تهام مخارج هان سال از تبيل مخارج تصفيه مخارج اداری و میره حدابشده و روی آن کشیده خواهد شد و فر مخارج اداری مقدماتی قيل از المتحراج لفط حيزء سرمايه نحسوب طواحد شد ودر خصوص استهلاك مم البته سر مایه که کرانی بکار می اندازد باید بدست بياورد وهمين جية نوشته شدماست كمتا سرماية مستهاك اشد. سدى دوازد و ابد

T' win

آفساى كازرولى مخالف وعقيده داشاند که اداره ایسای دوات:امین آماید که بجاهای دور دست أنطحمل وأقل أمايد ديكر أين كه وقلی کیانی صدی ده متنعت می کیردسدی ٧ ربحبرای چیست و ملتهای ربیح مدی چهار است پیش نهادات واصله از طرف آقایان مدرس عيغ الاسلام استهاني منتمراللك عد ولی سید مساوات حاثری زادهٔ (عد هاشم ميرزا - معامد السلطنة) (فاظمر العامة ۔۔ میر سہد حسن کاشی) سید فاضل

علاره شود

وروس النجار قرائت و بحسون ارجع در اهاموقع حلسة يراى الفس المعليل و مجددا مقارن ظهر در تحت رياست آقاي مدرس (آاب رگیس) تشکیل وماده مطرح

ملدم ١٠ حقوق دوات بايد لااقل معادل باشد واسعت ۹ مایدات شانس می کمیانی و شرکت که ارای مليات عناقه واجع ياين امتياز در هم كحا وازدم تبيل خواه داخله خواه خارجه تتكيل

میعود وهرکا، منافع آشافی بیش از مدی پنجاداز سرمايه مصروفي شود، سهم دوات بترابب ذيل مصاعد خواعد گد

بین سدی ۱۹۰۰ ۳ موردولت سدی [۱۷] طواهدیود یش اماد شود ... ۸۰٫۷۰

magning the state of the state زواده برصد : قبصره ۱ - مايدات خالف هبارت است از ۱۰۰۰ م م م م م مسروفي بميزان بالزده در مد و جنامیه در یك سال این

صنافع سال بمديكجا برداشت وأمحسرب للمي شوه البسره ۲: (۱) در موقع تشکیل کهیابی برای استفاده از حنوق اغتباق نفط شهال ساحب امتياز متمود است معادل سي. منار ایرهٔ (طلای انکلیس از اسهام اوایه ک،بانی مجانا به درات ایران وا (ب) بملاو ، دو ات حتى خواهد هاشت

که در میات مدیره کیمیانی در هم حال معادل يك حمس از آراء معايده داشته بأشد این حق ما ایم نمخوا مد بو د که دوات ران تناسب اسهام خریداری خود و یاانیاع ایران نیز خاینده و حق را ی در هینت مديرة داشه باشد

آقای ارباب کیخسرو اظهار داشقند که یك قسمت از این ماده را کمسیون ماتفت تشد دولت همد مأوجه نشد ر نهایندگان کامیا نی هم نئوا نستلد توضيع دهند باين مناسيت المكراف شد بامريكا وجواب آن هد آ مده بملاوه ابن یکی آز موادی است که رئیسکل مالیه لمفلر حاصل كرده است و آن هم دركمسبون مُطرح مُشده إست من عقيده دارم يكه أين مادم أ مِن کردد مکسبون و ما مهاجمه به تاکراف

مربكا ولمفارية رئيس كل ماليه بهمجلس عودت داده عود آقای قوام السلطله شرحی در فواگد استخراج معادن تفط ودرقائده سالات أقائ ارياب كيخسرو أظهار أمودند شاعزاده نصرت الدوله إظهار داشاندك کسپون این طور تصویب کرد که صدی ۱۹

تا بب رئيس جاسه را خانم الموذند ،

قومچان که دلو _ مامورین حکومت

که هرای تفتیش برغزاد رفته بودند مسموم

والرده درصد بواسطه تک منافع دادیه شداز آسناف و کیسبه منزل آقای تنجنی مجتهد

شدن سه طفل را نکدیت می لهایند جی از

از عایدات خالس یاشد ولی بعد که اطلاع حاصل شد که تشاریه مستشار حد این است قرار شد که برای شور آانیکه بگسیون ارجاع میشود مدانه شده و نظریه که صلاح اِساند چون مدنی او ظهر کذشته بودآقای

به نمایند کان محترم اريس دوات أنبه نبايد هيج يك وزرای خود را از این مجلس انتخاب کند عِه أَزْ قُسِنَه أَقَايِتَ حِهِ أَزْ دُسَنَهُ أَكَثَرَيْتَ وَهُمَ جنين دسله التربت امروزه نيز نيايد بهجوجه إِنْ شُونُدُ كَهُ أَزُ أَفْرَأُدُ ۚ أَنْ مَا كَاسَتُهُ شَدَّهُ والنتيجه برعده مخالفين افزوده و متصاعد

اعمای کابیاء از اشخاس بمبر لایق آخوش پخراری که به رئیس نظمیه در این جا حاضر و أظهار مي گردد دو فقره شكايت داشته اند یک راجع به اخذ ارافل و مصرف اشدن با تمميراني در باب المناف خوردمها كه درجهار سو إساط يهن أمي كرداد ولبس العامد اسااف خورده فروشي را بېك ممل مخسوسي سكني داده راجع به نواتل پیشنهاد آن هارایه حکومت تسلیم کرده است که در این یاب

> أربت ٢ أولو _ جميت منزل آسيد حسن سكو أنى أو منافر في و شايده في شود مجددا خيال اجتماع أ دَّارند اظميه در يمضى ازمما ير

استر آاد ٦ دلو ــ جند روز مقبل بكنفر أزسوأران تراكره كه مستخدم همتنددر يم أرسخي شهر مقاول ديروز نعين أو را أراهيان كودالى وبدا كردمدن نمودماند توره - 7 دلو - مدای است آمله راين صفحات زياداغلب از بحوه ما خبان يدور مى يرند دو ووز است از طرف مريضخانه دکتر عمد باقر میرزا اعلالی داد،شد که در نه دو روز آبله بماور عانی کوپید. می خود مهدم در این باب کال امتنان و تشکر

أقليان وكلا و وزرا ابن قبيل أخيسار ولم بايد بدقت بمنواللد و با مجلس حفظ البحه مساعدته كند كه اطفأل ابران كمتر

يا دارند • 🛴 🖟 ۽ ۽

حلاصمطبوعات واحلم ره متاره آهران - ۸ دلو

أيالدكان عاس بايد مساءدت كسندكه

ایقه حوان فکر انتخاب شوند و اکر رئیس رات هند يعتواهد حسبالماول اظرخود رأ جانب مان اشخاس بوسید، که مےرو امتحان عدم لباقت داده و در وزارت های متعدده هیچ کونه آثاری ولو خیلی کوچك مد شد إز خود بيادكار نكذاشته المدمعطوف دارد امراز این خیال وی را منصرف اموده و بطرف اشخاس موسوف بصفات بصيرت واياقت ومحت اَهُرَانُ ٨ دَلُو ﴿ يَهِمُ الْمُوانُ ٨ دَلُو اللَّهُ اللَّ

مطوعات طارحه

رکنفر ان**س** لو ز^ان

ر كنفرانس لوزان متاسفانه با خاندوح

ود پسادی و نیرنك بازی اروپای كمتوالی و

ر از جنك نشكيل شده المايند كان دول

معلمه يا مال ضعيفه كه در اين كانفرالس

عضو يت دارند سر كرم يك سلمله حماياتي

مسالد که ایترین امواه برای دسیسه و حق

از حوزه دول متفقه تهدید می نهاید تفاضای

ازديك است درضان موسوليتي وعده مي دهد

ایطالی با نظریات فرانسه مساعدت خواهد

ور سورتهکه رضایت وی در کافرانس

جاانجه مي بيتهم أجول مماميع حكم

المايندكان أيطارلها الحاق طراس شرقي

عران و اسلترار خطوط سرحدی ۱۹۱۳

ا حدا خواستار لدو تيزلوس و تعمد جدودي

آنا ز نموده باین منی که دولت یونان را

جه متفقین و بسارة اخری در ساك دول

مور و منهای را منهور قلمداد می کند

الم السكر ابن داهيه بن أسل الوطوف

فرماست و حق و حقیقت ثنها چیزی که

رك نشر السالو زان البرى از آن مويدانيست

الموسو ابق صدر اعظم أبطالي در

شکی دنیای امروز محدوب می شود

المران المران الماكثريت يتمجاه و ينبج نفر تعايل مجلس حواستي تقديم داشته و متفقين را براي

يُوراَى مَلَى أَسْبِتُ إِرَاسَتَ أُوزَراكِي آقَاى ﴿ قَبُولَالِدِنَ فِيشَ لَهَادَ هَاى أَيْطَالَى ﴿ بَهُ طَرُوجَ ستوفى المالك ممين كرديد .

وی فقط شرکت در استفاده از خاالم شرق ر این شرعت انخاد تصمیم ورفع بحران آيار ديكر مارا إظريات وطن پرستانه آفايان يند كان محرم أمبد وأو مي كلداماينده لوزان بدمل آید . در کنفرانی خوامات نان محترم بایستی قیایشهای معنوی که دلیل لياقت و توسمه فكرى آن ما ياشدبدهند س خه در این جند ماهه اخبر بیشتر عملیاتی حافظ شأون اجتماعي أنها باشد المايادمهجه ز حسن نبت خود را نشان دمند و هرچه بيشتر إمردم حالى كلند كادر مواقع مهدعلكي بهرجوجه الفاريات شخص احال للخواهد شد وزن واهميت وجيئيت أعايندكان دراغلومي دم ا عدر القلاب - الم دار

كابينه قوامر السلطنه افتاد و مي متنقين السوب كردد مدائو ليت كليه فيجايس

ما له از رفتن آن متاسف و در از المخاد که در البیجه اتهاجات یونان لک عالیه الري به کاريخ گذاشت . حقا موجو آمدن ابن خوشنودهم . این ضف نفس وحس انکال نیرات اسلامی غواهد ده . در أفيام طول حنك يبن الملل بوالمن كه سياست بأف هاى أبر انزا معقد باشخاس واللناءِجة مملقد به تغييرات ماواليه كاينه ها الا دول متفقه هيج آميزش قداشاه و حتى

با دشمنان متفقين مناسبات صميهانه أبر قرار الموده بود . يونان بهيج وجة قادر لبود باید از تعام این اشخاص که امنحان ملفتين را او حام - كنستا تلين منصرف خود را در داده الد صرف تشل لدوده و لهايد و هبنك فرصق بدست آورد كلسنالتين جستجوی اشخاص جوان فکری کے بصحت احضار و حماسات مجنو نانه وی را در المانت و فكر و عنق باصلاحات و غدم أسخير عثيا في تقويت تبود و الا اعتماد بتور ماایته بازی ماصف شدهاند بر مهدا اسرو والزلوس أز المام والأى

دُست هامي اوباز مستند . آنوقت از قرس کارد وادر کلويس مَنْ غَاطِيدٍ . دست و فاش مانند سابق بسله بود و کاردی هم تا دسله مركلوبش خبا داشت .

لوین او وا حرکتی داده کفت : آه ا مردهاست ا ﴿ وَ يَلْمُو ﴾ أَ صَمَّانَى لَرِزَالَمَى كُلَّتَ : رَادِقَ مَنْ دَوَاسَتُ ؟

مه و ویابر ، زیر آب کفت : « و که رای ، او را

مَنْ فَكِ ابن مَلَ بشود؟ مَكُر شَمَا لَمْيِداً نَبِيدَ كُهُ مِنْ ازْخُونَ ریزی ملنفرم ۲ - ای ارازل پست فطرت - - این خطای

وباز همیلکه چشمش به امش اوکر آفقاد حالش تهبیر کرده بازوی د ویلبر ، را کرفته بسختی حرگت داد و

جواب داد: میخواست جبب و بغل او را گشته کلید کفجه را پیدا کند و اما همیک آزدیکش وفت دید

﴿ لَوَ مِنْ ﴿ فَاوَرْ أَبِحَالُهُ فَرَسَيْدُهُ ۚ إِودٌ كُلَّ أَصَّدَّاى أَتَهِرَى إِنَّا کوشش طورد و بعد از آن هم سدای تاله یکفر شنید

الویان فریاد زد : ﴿ ژیلبر تو او را مجرّوح کردی ؟ جواب داد خبر أو اللواارد و و معاد المراد و المعاد المراد و المراد كنت : • للونارد ، محكة دَسْت و يايش بسله

وجبراغ را برداشته بطرف شربتخاله رفت ولي به

پرسید . ایرای چه کار ؟ كفت ، در آنجا يك جبيه قيماني سراغ داريد ما ر پدست آوردن آن معکل است ، اوردن آن معکل است كمنت: خوب حالا درجه خيال مسلى .

من كفت و كان ميكنم آن جبيه در يك از كملجه مهای شریت سخانه باشد ه پیر کی سنگی می در است. این بکتت و اطرف خانه پیلانی دوبدن گرفت

معمد و مساوك واي هم إن دنبال أو روان شد و مساور و م لوین فریاد زد ده دقیقه بیشتر اجازه آوقف ندارید پس از ده دقیته من خواهم رفت میمه

ولى ده دنية كذشت و أثرى از آندو ظاهرنشد و میون بساعت مهاجعه کرد . نه ساعت و رایع بود آلوقت بخیال افتساد که ایا ژیلبرو و که رای در چه کارند و علت جیست که از هیچکدام اثری ظهامی Library Line and Library Library Commences of the Commenc

لوین باکال عجله به خانه برگشت . در هانوقت از طرف • آنگن ، همهمه شنید ۰۰۰ لاید همهمه از چندافری بود که مشقول آفرج بودند . .

ابن را یکنت و از او مشغول کار طود شد و بدون اینکه خود بفومه مدتی شرکرم بود زیرا آن بک بعلاوه ژبلبر و وکه رای هم بقدری در کار آنیلی بخرج بدادند که لوین متحیر شده و بالاطره باکمال بی سبری الفت : إِسْ اللَّهُ وَيَكُرُ اللَّهُ لِمَا اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ أنده أست جيمه بيوشيد • التومييل معطل أست أو بيش

﴿ آنوةت هرمه إز آنجا خارج بكاار آب آمدند ، ولى حمينك أوين حوالت از بله كان يالين رفاسه سوار بدميد مايك جزئى كار ديكر هد داريم ، ينج دقيقه ابشتر طوراه اخواهد كثيم في في فيد بعضائه

فواهند بلمید ، خوب در این اطاق که کوبا دیکس خبز المن كاند أو بفريادم بوسيد ا في وود وكبيس اطلاح بدهبدا قیمتی نیاشد اما باید جستجو کرد ا لوين پخود گفت ، اين پيجاره سيه ميکويد 1 .

ا بنا برام اوین ویلبر و وکه دای مبلهای بروادرا برداشته و در ظرف البد ساعت ايي از دو قابق را آنها بار كرَّدُلُد ﴿ آنُوقَت قُرَارَ شَدْ كَهُ كُرُونَبَارِ وَ بَالَ لُوْ ﴿ قایق را بساحل دیگر برده اشهاء را به عاتومیل التمال

لوین پس از آنکه قابق را روانه کرد به خسانه سراجمت المود ولي در راه رو زمزمه بكوشي وسالد دقش را بسوی شربت خانه جلب کرد ۰ اما جون وارد آنجاً خُد النُوثار را ديد گاهمان قسد دست و بإسله رو بزمین افتاه است و پس رو بدو کرد. گفت : حـرا از این جائن تیست در اینخانه توقف ندانه . ينتدر قرقر ميكى ؟ حركت نكن الداعه كار ما تمام مى شود و ترا آزاد خواهم کرد اما بدآن که اکر زیاده از اپن فریاد کنای کار پجای سخت خواهد کشید .

> ولی یاز در موقعیکه مهخواست اطبقه فوقالی صمود کند همایت زمزمه بکوهش رسید و جون کوش فرا دائت این کهات را استماع کرد افریادم پسرسید ه

متظره میلهای طبقه اول چتم اوپن را خیره ساخت و قدری برامید واریش افترود و مثل سامتکری کے صَّنَابِعِ رَا أَزْ أَفَارٍ بِكَذِرِ أَنْدَ بِهِ أَنَّهَا لِكُرُ إِسَلَهِ كَانَتُ خَوَانَ كرانيها أيستند ولى خوب ساخته شده الد معلوم ماشود ابن وكبل ملت وسلمه هم أيست نيمكن هابش ساخت

الوقت بازوى زيلير راكرفه يطرف ظبقه فوقانيش كثيده كفت : احدق ! المنطور تغليش ميكنند ؛ حالا "دُيدى من حق داد: مرهمةن لباشم أ

ابوہن نے است

المُواارد المشب وا أيرخلاف ألمعمول بياريس مميرود ؟ أ مُعْرَابِ داد ، وقائي كه السان مدردي مفتخر شد من قست از تو ووکه رای اخواهم گنید ،

این میر تحریر هم کار پرسیه به میهاشد . این

دو پرده هم یکی کار 🖚 فراگونارد — تفاش آست و آلدیکری را از روی ایرده کار ناتیه شاکشیده انداد ملبوارهای امریکا این دو پرده را همین قسم نهیخته

كنت: أرباب من جعاوز موتوانستم حدس بهزامك

گویا متوقع است پلیس در ساغت له یکمك او بهاید طرف در یعنی از کشوها اسکاس بیدا حسکرد، بودند

قابقه شود وبایر بازویش را کنرفته کسفت ارباب کوش

شد و چون یه تألار نهار خوری ورود کرد و ژیابر عو و وکه رای. ، را دید که باهم مشغول زقو خرارد وکشتی هستند · آباس مردو خون آلود بود . و ژبایر ، خبریف راسق مرده است ، . را بر زمین زده و می خوانت خبری را آز دست او بزور بیرون آورد . شانه « وکه رای به نیر خورد، بود

بر زمین انتاده این انت

اوه حواب ماد: دست ویایش را باز کرده ورولور را کرنثه بود ۰ پرسید: آن بست فطرت گجا است

عن ورود چشمش پهنوکر بیجاره افتاد که درخون خود

وخوناز آن معربات و ماقبت عم ميهوش شدو مثل موده الكت و من المنافق المنا الوبان باکمال المبیر کفت : تو و د و که رای ته هی دو او را کشته اید ۰۰۰ مگرتو با او تبودی ۴ خرا کذاشتی

شما را الانی خواهم کرد . برسید : د وکهرای ، برای چه اور۱ کشت ؛

الله : كليد كلمود حدثد ؟ حواب داد : ﴿ وَكُمْ رَأَى ﴾ آمرا برداشت ٠٠٠ ورسید : کنجهٔ را باز کرد : اربد : آزا وات ؟ سجواب داد : بلي كفت : اوجه جين راميخواسي از دست او بيرون

پرسید: پس این سدای رولور چه بود ۱

﴿ كَفْتَ * الْمُونَارِدُ رُولُورَ رَّا مَنْ فَشَتْ كَرِظُهُ مِوْدٍ وَ ﴿

قبل از اینکه امع د آن را طرف د وکه رای ، خالی

جواب بدر ٠٠٠ < ژبایر » ساکت ماند و لوین داست که او فی خواهد جواب بذهد . پس بایك حركت اورا نهدید كات : أورا يحرف خواهم أورد و امل محكدارم

بیاوری ۱۰۰ جسه کهبهاین کوچی نیست ۱۰۰ مزود

باشد و از واق كمن وزير عارجه شدمام

الأحل با رؤساى الفط الك كامة مداكرة

رتجزیه دومن از آلمان 🗠

عبرووار از باریس جاین اطلاع میدهد که

أزظاهم امن جنين معلوم ماشود كه قرالسويها عمال

دارند ناحیه زوهی را بگی از آلمان جزی

أمايد حمليات فرافسويها فر منع خروج فكال

و سنبط معادن تنابع مطلوبة والمقداده والصالا

ذكال ناحيه رومي بالمان ميزود و بدينجهت

أَرْ السَّوْيُ هَا مُهَدُّو الْمُقَدُّبُولُتَّبُّهُ أَيْجَادُ خَطَّ زُنْجِيْهِ

كمرى در شراه الله الشركة الاخراق فكال

تَجَلُوكِيرِي نَمُودُهُ وَبُوسِيَّةً لِكَ تَحَلَّقُهُ آهِنِي اين

قسات را از سابر عاك الهان جرى نهايلد

حکومت این قاحیه مد در نعمت تعارت

فرانسه والزيك ويك خاكم كل قرانسوى خواهد

أود وابن حاكم در بعق أمر حاكم الخاص و

بَعْدُ فَيَدُلُ بِحَاكُمُ سَيَاسِي خُواهِدٌ شَدُّ وَ وَاسْقَ

فراسوی ها و باز بکها در مسائل کاندگانی و

مَمَاشَي أَسِكَاهُ مُدَاخِلُهِ فَخُواهِ لَد كُرد مُدُروطُ إِهُ

أيتكم آنان در حفظ آداب و قوائين جامد

باشند ارزاق ناحبه را مم فراتسؤيها و بلويكما

تها خواهند نوه الله الله

للدن ٢٥ والويه

لخ ماولات م

اربی

المال

متمدن خصوص منتنين متوقع أست كه أدهاى وی را دایر بر خابه برآان بر علمانی و فِاللَّهُ مِن تُحكم بِونَانَ دُر تَفْسِيم غَنَا أَمْ جِنْكُ بدوقع أسر المكذارند ا

البن الطار دول معظمه را لحميق

ا باری استکر خه شیمه و فردیدی در مظفريت عناني ليست ولي عنياني وحدانا الله موظف است درين معامله شرافت مندانه القدام المسايد المرايد المرايد

ادمای عنمانی بر نمام قاحیه تراس والمنا المناول الشمال طرفي قائدين كالمرانس بالد الله الله الله وروا علماله به آن ما وا همه ماتفت مي شوند لورد كور ون و پوانكاده المور كرده الد كه عمليات عرمانه آن هما الله المره فاش المي دود الاسمة الموراث يأطل ا * آن روزی که عود دامه جات سری علی شد آن روز را باید در نظر بگیراد آن ادواری کے امیر اللوز ہا تار او داد ، ہای بین الا تنینی مي استند و به کان از انموفنيت سامل مي كر دند خوش بخناله خانمه يانت 🏌 💮 الله ازاد عناج به بنياست اسلنا ربو بعبلا کامه آسات سری نبوده و ایستند س ﴿ وَالشَّكُونِ فِينَ ﴿ رَجِهُ عِ بِاعًا لَهُ مَالِحٍ ﴾

احارماره

مرکو ۲۷ _ ور ۲۸ ژاریا عار فنلاند أعناد المه هاى خودرا ورفرق كالبنين

وقيس كليد اجراليه مركبي تقديم امود ورساه فوريهاموال اذارمكاره كاف اقتناح مى بابد عده ، زوادى از موسسات ، حارقي والمتاعلي بخارجه الها قبول آامأن ولهدان چك و إخلاواك واستونى وفرانسه و هاند و المظلالدو ساير عالى شركت خواه دداشت ع الم مد روز ۲۲، وانو اسامروز نوم زالویه ١٩٠٦ كي در خيمان قساري عدم از كار كران يطرو كراد وايتهاران كرده ودندمايك عِنْهِم در عدارت قياتر بوراد تشكيل يافت دفيق كالنين امتى ايرادنه ودواظها وزواشت فرور يهسياست جبروفتار فرانسة والمستوسالمان سلزله يد خواهی قسیت به جمهوری سویده تلقی میکاند كالفين اظهار اميدواري المود كاشفال ناحيه رور بتوسط قواى فرا نسه تتابحي غلير عواقب اشغال اوكرانيا بنوسط آلمان در سال ١٩١٨ بهخشيده ومنجر بالقلاب فرانسة وهلاكت المذل كندكين خواهد كنت و تصرف ناحيه رور جمهوری ساونی را الزام می گلد که قشونو بعریه نیرومندی نگاهدارد و رفیق راکو کی بعد از کالین شروع به نماق نمود اشمار داشت كه خون روسهاساوتي مدافع مخلار طبقه رنجبر مبياشد لمهذا لمبتوالد در جنين مون كے، ادراف و بورژوادی جهان سیه حلك جدیدی مى بينند بيعلاقه بماند عمليات فرالمه اقدامات نظامى لهمتان وليتوانى وجك وروماني ممكن نيست با منافع روسياساوان الدف ككند زيرا

ما انض میگذاد در سر مقاله روزقامه ایزرستیا ناشر افکار كهنه مركزي أجرائيه روسيه اشعار مي شود

ابن ارتبيات موازنه أرؤيا وا يرخلاف ممالح

كه. نقشه المير بالبداماي لهستان بك توديد مستقبه إبراى أمايت روسيه سأوتى ميباشد هدم ميل المسلان به ابيشامهاد روسيه راحع بعظم سالاح وابل مقاصد تهاجمي آن دولت مي باشد فاربه المديديك ايجاد كرديده إشت فوات ساوتي ية يكسلسه اقداماني أمبادرت الموده أست كه امكان يريا دائن قشون طرح را دو مدت قلیل قامین کند - اکر در ایام خرابی های عظم دولت شماوتی روش توانمت از هیج چیز قشون عظیم خانه مایولی تهیه کا لمداکنون که او شاع رو بخوبی تغییر گرده است جمهوری ساوتي دن الدك مدتى مبتواند حبين قومتحت سلاح در آورد، که ماجرا حویان امیرفالبت را كه خود سبب ابجاد آن مي باشاد مجبوريه اوبه و لدارت کند الله الله الله

بنی سیم پازیس

٨٨ والوية ﴿ المان * أَ أَهْ يَجِكُونُهُ اعْلَمَانُ حَكُلَّى در (رور) وخود تدارد مكر بعضي مسائل على كه تنبيجة عدم أمايل سكنه آنجا إسب در سادن کار می کند - عور و مروز راء آهن در طرف جب رود خانه رن ماور مه ول است واحكون هائي كه مي اسق تِعارِفُ بازيك حبركت تهايند و مونتا بناخير اقلاد بود مرفق بعرك شداد ... شب در (ماالی) اتفاقی رخ قداده فر مالده كل قنون در شهر مذكور إعلاميه فيل وا

النامت داده الله الله الله المجون وابش المالئ وظايف خود وادر وقايع والخير الجرا فكرده فرمانده والكرا فشون بابس وا در قحت ادا ره حرد در در

باریس ـ وزارت جنگ فرالد حکم نجيبرات أجزاء إحتياطي (ززرو) راه آهن وا صادر قموده است كا در صورت اعتصاب عموم راه آهن در [رور] بقدر لزوم ممتخدم داشته باشد

باریس - کورد حکرو سایر کسیر انگلستان در بازیش از رئیس الوزراء فرانسه ملاقاتی نموده موضوع آن اینحا بوده که بیر نهداد قشون انگلیس مستحنظ حدو دی که منتقين أشفال كرده افد إفزوده شود :

، طبوعات فرانسه تصور مي كنند كه إن بهتربن طرز جلو کیری از می کونه پیش آمد و انكال مى اشد و از اين موظيت قبريك ځي کوړد :

ايطالها - در هيئت ودراء ميو (موسانی) رئیس الوزراء رابوزت منسلی راحم به نسله (زور) ابراد کرده است اين مفدون:

﴿ أَنْظُرُ بَانِكُمَا لَ قُرَاشِي الْلَّمَانُ هَا قُواْمِي فرانسه و بازیك مجاور شداد دفال سنكي كه در مدادن و کار خالجات و آیست گا، های راه كمن بود أوقيف كند أو بمضى أقدامات نظامی نیز شده است ه

﴿ وَاحْمُ لِهُ شَائِمُهُ آخِبُو كُمَّ أَيْطُالُهَا مِي خواهد واسطه بين قرانسه والمان شود وزير أبط لبا أعلام دائمته است قد حدّومت الطالبا بوجو حسه الى توالد رويه خود وا أأير

در باب شفیه مهاتوریوی که حکومت

فرانسه به کمیسهون فرآمات هیشلمساد كرده بنا ير اظهار مسيو مسيليني بمضى از أسمت على أساسي باد داشت ايطاليا والم يه حكنفرانس لندن در ماه دسامبر كدعته قرستاده دهم قرائسه بذبرقله أست أو قبيل صالورید برای مدت دو سال و یك قرضه داخل الان

انگلستان _ حرید (دیل مبل) ودر مقاله وصعبت در خشان صنايسع السأن رأ با انكلسنان مقايسه المود م أكارد كه در رش ماه اخبر سال كذشته بيش از مفاسد أَمْن در المان ورشكست نشده الد و حال أنك در شش ماه اخبر ۱۹۱۴ به منهار ومنتصد نفر در المان "ورشكست شده اند . در المان آدم بی کار وجود ادارد و کار خانجا تش از عهده پاجاه مزار سفارش بواسطه كنثرت كار بن نهامده الد رو قبعا رت بحرى المان پطرز چبرت آوری در نرقی است و مال اللجارة كي سال كذشته در بندر ها مبورك واود شده از آن خارج كشله أن مال النجاره قبل از بجنك نجاوز كرده است

در سنه ماضبه آلهان جدبن گئتی جدید ك كسنجا يش أن ما يك كرور تن (تقريبا سه گرور خروار) من باشد بكار الداخه در الكلستان بطور متوسط بعرافر سافي وبيست المرة ما ارات من دمد وحال أن كه ووللا أن م النيز بيش از يك ليه الني برمازد .

قروض عرمية المان بواسطه وفلزل فيمت

مربستان - بر حب مالدرجات بجريده فراکسوی (تان) پس از بانتخابات عمومی ك دو ما مارس بوقوع خواهد أبوست دوات جك والبلاوى بهميت اجرام عجادتي روسيه اجازه خواجد دربلكراد اقامت كريند دَا بدين وسيله روابط تجارتي بين دو علكت لجديد شود

اسانی - مطبوعات اسانی کوشرد مبكاندكه شايماني أخيرا در موضوع وساطت بين المان و فرانسه أز طرف دولت أساني راجع به مسلمه غرامات دو ما د ربد المشار

رويد مورخه ۲۷- وا لويه ۱۹۲۳ م اللهارات وسيوولني أناه ويست

ر در طی اطانی که مسیولیتی در مقابل مبقت دولت ابطاليا ابراد الدو جنين اظوار واشين كحكه أدوات بمشغول اقداماتي استأتا م بچه زُوْد ار از مشکلانی که ممکن است در ناحیه رومی) تواید شود جلو کموی اماید ومعتى الامكان موحيات تسكبن وضعيات فعلى را فيراهم لهايد أا متفتين بنواند مجددا مسئل أروض بين خودو غراماترا درتجت مطاأمة و خور قرار، دهند اونداع المان

أسن- أظهاريه رسمى فرانسوى چنهن مشمر است که در اراض غیر متصرفی انلاو التفال قشون ممل مهايد ودر جندين أيسلكاه راه آ هن بواسه ورود قنون ال اك در احيد رومر) كاركران اعتصاب أموده الد بانك همای (وغوم) و اس) تصمیم نموده الد كه معاملات فرالسوى ها را صورت تدهد بواسطه ابن كه رئيس كمركات وعدما

ز اعدای کمرك (میر) و (كرستاو مؤرك) را نوقیف نموده اند کایه کار گران وامشاء كدرك إين دو ناحيه اعتصاب نموده إنه

مذاكره در باب لوزان الوزان مع عَسَمت باشا ديروز كركانمر أأس مذاكره در الب آتبه موسل را انتاح اموده و اطلق منصلی ایزاد کرده در طبی آن جنين اظهار داشت ك كليه اياات موسل متعلق المالي من باشد و كرزن درجواب اظهارات عصمت باشا را زد کرده و نیش شهاد کرد که قضيه موصل من احمه به مجمع اتفاق ملّل گردد نصمت باشا فیش نهاد نمود رأی عمومی در موسل كرفته شود ولى كرون قبول أكرة وَ بِأَ وَجُودُ اسرار مَتَمَعَينَ امَا يَلَدُهُ عَلَيْهَالَى ذَّرَّ حالت امتلاع باقى بود بالاخبره كرزن أظهار داشت که من شخصا ابن قضیه را مراجعه به عِمْع مال خواهد نمود ، سيس در كال شدت ترك ما نوا عامل قراد داده كفت جِنَالِحِهِ مُسمت فِينًا أَبِنْ يَبِينَ مُهَادَ رَّا قَدِرُلُ تنهاید تأثیرات سوء آن از هر حیبری بیشتر خواهد بود. و من براى المناد صليح بديرجا آمده أم و حالجه ترادها أسرار ووزاد من ينام دوات منيوعه خود و بموجب ما ف دوم متما هُدُ م معتلو المدام خواهم ممو در زيرا

بموجب ماده مذكوره تهديد بجانك إدااقع محكليه دول عنو عمع سكله وارد طواهد . .5

ميس تكذب أدودك ففيه موصل مراوط

بغضبه نفت و سبات الكلستان در ابن موضوع

يك ليزة الكابس - ١٠٠٠ ١٠٠٠ بران المراه الما المواورك

چراما بلون تقاضا

يه المعالم الم

هرای آینکه اشخاص مجبور اوا شاند برای اینکه دورتان دجار رو دریایستی نشوند

برای اینکه حبیت روزنامهٔ محفوظ بها ند ما پسوان هیجگون روزنامه خود وا خواهیم فرسعاد مکر قبلا تقاخای آرسال آن باداره ما رسیده باشد

اعران

اراى دروي يجمال النجار ، براى اين كمطالبين يتزحت كردش وتجسس و بالأحر ، منبو قيت وممهوب

در عالك منمدلة مله إعلان بقدري كسب اهمات كرده كه ،وتسات برزي برأى ابن

مر در ایرات اخیرا برای اجراه اظریات فوق مؤسسه بنام و شریعکت شاهنساری اعلااات ، تاسیس شده وهر کوله اعلاناتی که در هر یك از جراید پخواهای درج شود

و الكانو الفاون محسوس أبن عمل ابن أست كاعلان المتربن طرزو بالوزان اربن أقيمت درج ميثود شرکت شامنشاهی اعلانات – اداره مرد آزد

ناك فوقشى

يُ تُجِهَارِ أَرَاهِ حَدَنَ آبَادِ ﴿ وَكَانَ عَلَامُ مِنْ خَالْ سَبِكَارِ فَمُرُوشَ مِبْدَالًا خَرُوازَهُ قَرُولِنَ دواخاله سمادت بازار خمار سوق كوچك دكان صالحيان :

وطبعه دو سفو د